

سراغ آنها آمدند؛ شمارا فراموش نکرده بودیم بیش از دو ماه نگران سلامت شما بودیم. گروهی آرام آرام اشک می ریزند؛ اشک شوق. مسافری باز گشته اند و مردم را موج شوق و شادی گرفته است. ولی یک قرن قبل زمانیکه کاروان از جای مکاتب فعلی پاتو عبور می کرد مردم محل با وحشت فرار می کردند و پنهان می شدند .



روز گذشته کاروان گروگانهای آزاد شده رفت و به گردنه ای به نام گمقول رسید؛ دره ای گم شده. آنجا جمعی از خانواده های جنگجویان خارجی آزاد شدند. ولی قرن گذشته در این گردنه اعضا خانواده تاج محمد خان شهید و همراهانش تصمیم گرفتند که آزاد شوند ولی با سقوط از پرتگاهی؛ مثل شیرین وچهل دختران. کاروان اسرای خانواده تاج محمد خان با مشایعت لشکر عبدالرحمن رفت و به رودخانه خروشان رسید. پل باریکی بالای رودخانه قرار داشت. تمام اسرا به رهبری آمنه دختر تاج محمد خان خود را از پل به داخل رودخانه انداختند و آزاد شدند. پل مزبور تا هنوز باقی است؛ پل آبرده. دیروز احتمالاً موتراهای حامل گروگانهای آزاد شده از همین پل گذشته و بسوی مرکز جاغوری رفته است.



در استقبال از نوزده مسافر بی گناه آزاد شده

دکتر محمد فاضلی.



نوزده مسافر بی گناه آزاد شدو از سرنوشت دوازده نفر دیگر تا هنوز خبری نیست؛ سرور و نگرانی توامان به سراغ مردم ما آمد. دیدن عکس دامنه ای که بار اول در مقابل نوزده مسافر آغوش گشود برایم بسیار معنی دار بود. این دامنه یکی از قهرمانان ملی مردم هزاره را پرورش داده؛ شهید ابوذر غزنوی. زادگاه شهید ابوذر غزنوی در نزدیکی این دامنه است. شهید ابوذر هرروز از این دامنه عبور کرده و به مکتب ده رفته است.

تصادفا نام دهکده نیز ده است. تروریستهای امروز و فاشیستهای دیروز شهید ابوذر را خوب می شناسند. دیروز صفحه فیس بوک آنهایتا الفت را مرور می کردم. بسیار جالب بود، عکسی از شهید ابوذر را نشر کرده بود و نوشته بود زمانیکه موتر ابوذر در غزنی توقف می کرد از دیدن رنگ موتر ابوذرفاشیستها چندین ولسوالی آنطرف تر سنگرها را رها کرده و فرار می کردند. همت بلند خود باوری این خواهر کوچک ما نوید بخش است؛ نسل جوان ما قهرمانان خود را شناخته اند .

موتراهای حامل مسافرین از دامنه به راه می افتد و به برج و باروی قلعه ای نزدیک می شود. این جاده و قلعه خاطرات مشابهی در سینه خود دارد. بیش از یک قرن قبل کاروانی از این راه گذشت و مدتی در این قلعه توقف کرد. کاروان لشکریان یکی از عوامل انگلیس به نام عبدالرحمن بود که اسرای زنان و کودکان هزاره های دای چوپان را به مسیری می برد که دیروز کاروان گروگانهای آزاد شده رفت. آمنه دختر تاج محمد خان در جمع آنها بود. جمعی از اسرا در نزدیکی قلعه به اثر جراحت جان دادند و در بیگ گور دسته جمعی نزدیک قلعه دفن شدند. استاد کاظم یزدانی مورخ درمند هزاره چند سال قبل به دیدن این گور دسته جمعی رفته و به روح آنها فاتحه نثار کرد .

کاروان گروگانهای آزاد شده جلو رفت. کودکان مکاتب پاتو با دسته های گل به

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.